

اینکه والدین و مربیان باید به کودکان رسیدگی کرده و آنان را مورد پذیرش حمایت و عنایت خود قرار دهند جای بحث و سخنی نیست . امری است که مورد تأیید اسلام و اصولاً " هر وجدان زنده و بیداری است . دربینش اسلامی ما کودکان برگردن پسران و مادران حقوقی دارند که باید به وجه احسن ولی در طریق حفظ خیر و مصلحت کودک و البته درچار چوب ضوابط شرع برآورده شوند .

امام‌سأله‌ای که برخی از کودکان بسدان دچارند این است که عده‌ای از آنان به کم‌تراز آنچه که حق آنهاست دست پیدامی‌کنند و عده‌ای دیگر به بیش از آن حد و اندازه . جنبه افراط و تفریط که در باره این دو گروه اعمال می‌شود موجب صدمات و عوارضی برای کودک است .

دراین نوشته می‌خواهیم به پدران و مادرانی که بیش از حد متعارف به فرزندان خود میرسند و آنان را افرادی زبون و بیچاره بار می‌آورند تذکر دهیم که این کار بنفع و مصلحت کودکان نیست . فرزندان خود را به‌گونه ای بارآورند که بتوانند در جامعه حال و آینده همگام با متوسط جامعه به پیش روند . دراین راه می‌توانند از طبیعت و شرایط حیات عادی در طبیعت الهام گیرند که ما ذیلاً " به‌گوشه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم .

الف - درحیات جسمانی

۱ - تغذیه

تغذیه شرط اول زندگی کودک و هرانسانی است . شک نیست که غذا باید کافی و متناسب

تربیت

با

اهتمام از طبیعت



بارش باشد ولی آنقدرها هم برای غذای کودک نباید دل سوزاند. اینکه برخی از پدران و مادران اصرار دارند هر لحظه غذایی چرب و نرم در حلق کودک فرو ریزند و با اصرار او را وادار به بلعیدن کنند روشی اشتباه است.

کودک اگر نیاز داشته باشد غذای موجود را خواهد خورد و نیازی به سماجت و اصرار ما ندارد. و نیز در امر تغذیه سعی داریم گاهی غذای گوشتی به کودک بدهیم، گاهی هم نان و پنیر و زمانی هم نان خالی و در مواردی هم درس تحمل در برابر گرسنگی. زیرا این امری است که در طبیعت برای جانداران وجود دارد.

۲- پوشاک

در امر پوشاک نیز مراقبیم کودک را آنچنان در لباس و پتو نیچیم که از نفوذ هوا و سرما و گرما کاملاً مصون و برکنار بماند. او باید معنی سرما و گرما را بچشد و در برابر آن بیندیشد و شرایط لازم و مساعد را برای خود تهیه کند.

هم چنین فراموش نکنیم لباس برای حفظ بدن از عوارض و آسیب هاست اگر چه رنگ و رورجلبوه ای نداشته باشد (گو اینکه برای رنگ و جلوه آن هم حسابی قائل هستیم) اما اینکه سلامت بدن و رشد کودک را فدای زیبایی لباس و قالب های آن کنند خطاست.

پوشاک باید در حد کفایت باشد. در عین رعایت الزامات شرعی و اخلاقی باید سعی شود گاهی کودک پابرهنه و یا بدون جوراب باشد، زمانی هم اگر لباس او اندک باشد نباید بدو دل سوخت، بگذاریم در سرما و گرما زندگی کند و به طبیعت خو گیرد.

۳- در استراحت

کودک در روز تلاش و فعالیت جسمانی بسیار دارد. بازی می کند، می پرد، می جهد، می - خندد، می گردد، آواز می خواند، جست و خیز دارد و اینها همه از عواملی هستند که زمینه ساز خستگی کودک است و این خستگی باید با خواب و استراحت رفع گردد.

اما در استراحت طبیعی است که اگر کودک در جای راحتی، در بستری و روی تشکی، زیر پتو یا لحاف مناسبی بخوابد به استراحت کاملتری دست می یابد ولی این امر نباید سبب آن شود که کودک فردی نازپرورده به بار آید و به لذت تن پروری خوی گیرد.

گاهی باید موجهاتی پدید آید که طفل بدون تشک و حتی روی زمین ناهموار بخوابد تن پوش و یا لحاف و پتوی نامناسبی داشته باشد. اصرار نداشته باشیم همیشه زیر سر کودک متکائی باشد، بگذاریم گاهی بدون متکاو بالش باشد تا با طبیعت و حیات طبیعی خو گیرد.

ب- در حیات اجتماعی

انسان موجودی است که بر اساس فطرت یا اکتساب اجتماعی ناگزیر است در جمع زندگی کند، با آنها انس گیرد و رفتار و زندگی خود را با مردم هماهنگ کند. البته این سخن ناهمبید این ضرب المثل نیست که: خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو، بلکه مؤید این فکر است که بدور از جامعه، در انزوا و در حال رهبانیت قرار نگیرد.

این خطاست که برخی از والدین خانه خود را به گاو صندوقی تبدیل کرده و کودکان را در آنجا حبس کنند. باید به آنها اجازه داد که تحت مراقبت و سرپرستی والدین با دیگران



بجوشند و با انسانهای دیگر آمد و شد داشته باشند. زندگی اجتماعی را در میان جمع می - توان آموخت ، نه در زندان اطاق خانه ویا در کتاب های موجود. در عین حال مراقبتی باید بعمل آید که کودک از عوارض و آسیب های اجتماعی ، از معاشرت های نا باب ، از عوامل بدآموز به دور ماند آنگاه که لغزش و خطائی پدید آمد به رفع و اصلاح آن اقدام نمائیم .

ج - در جنبه حیات عاطفی

کودکی که از محبت ، پذیرش و حمایت کافی و نیز از امنیت محروم باشد بزرگ نخواهد شد باید به طفل محبت کرد ، او را بدون توجه به جنس و زیبایی و سلامت و نقص پذیرفت ، مورد حمایتش باید قرار داد و از امنیت شایسته ای باید او را برخوردار کرد .

آنچه ذکرش مهم است این است که این امور باید در حدی باشد که کودک هر چه زودتر از این تعلقات کودکانه نجات یابد ، سرپای خود بایستد و حیات انسانی خود را آغاز کند . روش ما در اعطای امنیت و حمایت باید در حدی باشد که طفل در سنین بلوغ به استقلال برسد و بتواند خود را ترو خشک کند .

محبت افراطی ، حمایت بیش از اندازه نگهداری دائمی او در امنیت جسمی و روانی و عاطفی او را هم چنان کودک و وابسته نگه خواهد داشت - دوران طولانی کودکی او را باید کوتاه ترکرد ، زمانی او باید مزه عدم امنیت عدم حمایت و حتی عدم محبت را بچشد تا ساخته برداخته گردد .



د - در حیات اقتصادی

اینکه اطفال باید از عنایات اقتصادی والدین بهره مند شده و رشد کنند جای بحثی نیست اما این خطاست که برخی از افراد حتی در سنین تحصیلات دانشگاهی کاملاً وابسته به پدر و مادر می مانند و قادر نیستند سرپای خود بایستند .

در دوران خردسالی باید به کودک وظیفه و مسئولیتی در خانه سپرد و از سنین پایان دوران ابتدائی تدریجاً باید او را با کار و حرفه ای آشنا ساخت وعملاً در کارهای مربوط به کشاورزی ، دامداری ، صید ، کارگاهها ، ادارات و او را آشنا نموده و مسئولیت های کوچکی را به او سپرد .

کار یک روز صبح در هفته برای دوران ابتدائی ، یک روز تمام در متوسطه ، دو روز در دوران دانشگاه امری است که پی آمدهای شایسته ای برای فرزندان دارد و آنها را مرد

کنیم شاید ناموزون باشد ولی مثال خوبی برای رساندن مقصداست . هرگز زندگی گریبه را با بچه های خود دیده اید؟ ملاحظه کرده اید که در قالب بازی چگونه فنون دفاع، مبارزه شکار و را به بچه ها می آموزد؟

این امری طبیعی و در طبیعت است . با الهام از آن باید کودک را برای بدست آوردن آزادی ، دفاع ، مبارزه ، آشتی ، تشکّل و سازماندهی تربیت کنیم . هم چنین صفات اخلاقی-سیاسی را باید در ضمن عمل به کودک آموخت مثل غرور و بیرحمی در جائیکه لازم است ، تبلیغ و سازندگی در جای خود ، مقاومت

کار و فعالیت و زندگی بار خواهد آورد . این آموزش با حفظ جوانبی درباره دختران نیز قابل رعایت و عملی است - به خستگی ناشی از کار فرزندان دل نسوزانیم اگر چه آنها را مورد محبت و نوازش قرار میدهم .

== در حیات سیاسی ==

زندگی انسانی باید مبتنی بر تعاون همزیستی مسالمت آمیز ، تقسیم کار و مسئولیت ها ، رعایت اصول مربوط به تابعیت ها و متبوعیت ها باشد و برای دستیابی به



دربرابر ظلم و زور گوئی ها و در کل، طبیعت و حیات طبیعی محتوای خوبی برای تربیت و سازندگی نسل دارد - و میتوان به وجهی شایسته از آن استفاده کرد .

چنین مقاصدی مبارزات فکری ، فلسفی ، بیانی لازم است و در صورت موثر واقع نشدن مبارزات نظامی و رزمی .

مانمی خواهیم کودک را به زد و خورد تشویق کنیم بلکه سعی داریم فنون مربوط به دفاع و مبارزه را در قالب بازی به کودک بیاموزیم . تشبیهی را که می خواهیم عرضه

دکتر علی قائمی

